

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

اگر مستحضر باشید بحثمان راجع به شرط متاخر یا تقدم مسبب بر سبب - در مواردی که در شریعت مطهر واقع شده - بود؛ دو راه حل مطرح شد و به مرحله تحقیق رسیدیم. البته معنای مرحله تحقیق این نیست که راه جدیدی ارائه شود معمولاً در مرحله تحقق ما در چند شماره بحث را مطرح می کنیم تا بحث مدیریت شود.

نکته اول: ما هر وقت می خواهیم در محیط شریعت تحلیلی داشته باشیم نباید اقتضائات محیط تقنین و ارتکازات عقلا را نادیده بگیریم. نمونه اش در بحث خود ماست شما دیدید که برخی ها می گفتند در بیع فضولی اجازه لاحق در نزد قانون گذار شرط صحت بیع فضولی نیست بلکه حقوق اجازه مالک شرط است. ولذا اگر اجازه مالک آخر هفته آمد از همان ابتدا می توان گفت که اجازه به عقد ملحق شده است و گویا شرط مقارن بوده است.

اگر بگوییم غسل مستحاضه ای که شب بعد می خواهد بیاید شرط صحت روزه قبل است که هیچ اما اگر بگوییم صحت صوم مستحاضه در صورتی است که لحق به الغسل در شب بعد و... در این صورت می توان گفت از همان ابتدا غسل ملحق به روزه شده است از ابتدا، لذا این به منزله شرط مقارن به حساب می آیند.

استاد: اولاً: دست ما نیست که بگوییم لحق به و... بعد بگوییم مشکل شرط متاخر را حل کردیم و... ثانیاً: سلمنا که این توجیه درست باشد اما آیا این برخورد در محیط عقلا پذیرفته است؟ بایسته های تقنین در محیط عقلا در شریعت هم وجود دارد. اگر این توجیه را به دیگران بدهید آیا حقوق را می فهمد؟ ارتکاز عقلا این است که اگر اجازه مالک بعداً بیاید بیع فضولی صحیح باشد. نگویید ارتکاز مهم نیست و ما کاری با عقلا نداریم چرا که اصول ما بسیار متأثر از محیط تقنین و عقلا است.

اگر یادتان باشد شیخ انصاری فرمود: من جاهای مثل غسل زن مستحاضه را قبول دارم اما در بیع فضولی چنین کاری (اینکه شرط را حقوق اجازه بگیریم) خلاف دلالت ادله است. البته صاحب فصول در هر دو مثال حقوق را بدون اشکال دانست. (به نظر ما حرف شیخ صحیح نیست و حقوق شرط، خلاف ادله نیست کجای ادله فضولی مخالف با این است آیا جایی که بحث از فضولی می کنید یا آنجا که بحث از اجازه می کنید یا آنجا که بحث از کاشف و ناقل می کنید؟ هیچ کجا خلاف ادله نیست؛ اما مشکل اینجاست که هیچ کدام (برگرداندن شرط ها به شرط مقارن) مقتضی ندارند. اگر شما دکتر بروید و دکتر بگوید شما قرص را الان بخور و دو ساعت بعد آب بخور تا قرص اثر کند و... این را عقلا حقوق شرط تلقی نمی کنند بلکه می گویند این ها دو اعتبار هستند که با هم ارتباط دارند.

سوال: در این مثال دارو که می فرمایید دارو اثر را روی بدن گذاشته است اما آب اثر آن را بیشتر می کند اما در غسل زن مستحاضه، بین غسل و روزه ارتباط نیست؟

پاسخ: ارتباط را چه کسی تعیین می کند؟ شارع در اینجا ارتباط (بین غسل و صوم) را بیان کرده است.

ما یک صوم مصدری داریم یک صوم اسم مصدری؛ اگر بخواهد صوم اسم مصدری اثر کند باید غسل بیاید بله روزه مصدری تمام شده است.

نکته دوم: در اعتبارات و قانون گذاری آیا زمان معتبر با زمان ما به الاعتبار باید مقارن باشد.

عبارت برگه: ان زمن ما به الاعتبار و المعتبر قد یکون واحداً و قد یکون شیئین: بتقدم زمن المعتبر علی زمان ما به الاعتبار او عکسه. و ذلک کما فی اجازه الفضولی فقد یعتبرون الصحة من زمن وقوعها کما یمکن اعتبارها قبلها او بعدها و ذلک لان امر الاعتبار بید المعتبر فیعتبره ایما شاء.

و الجدير بالذكر ان في مثل اعتبار الصحة في العقد الفضولي من اول وقوعه بعد اجازة المالك قد يعتبر المبيع و النقل و الانتقال من اوله و قد يعتبر اعتبار احكامه من اوله. فتامل.

آيا بايد زمان ما به الاعتبار با معتبر يكي باشد يا مي تواند مابه الاعتبار بعد از معتبر باشد يا بالعكس يا هم زمان؟ در بيع فضولي اجازه مالك، ما به الاعتبار است چون تا اجازه نيايد صحت بيع نمي آيد. و صحت بيع، معتبر است. آيا هم زماني اين دو لازم است؟ يا نه شارع مي تواند چون امر اعتباري است و اعتبار خفيف المعونه است بگويد اجازه اگر يك سال بعد هم بيايد (بنا بر كشف) صحت بيع از ابتدا است.

در بيع فضولي مثلاً خانم فرش كهنه خانه را مي فروشد ظهر كه شوهر مي آيد مي گويد فرش را فروختم و شوهر اجازه مي دهد. شارع مي گويد بيع از همان صبح درست بوده است آيا اينجا اشكالي پيش مي آيد همه چيز به دست شارع است. در باب وصيت نيز همه چيز به دست شارع است مثلاً در باب وصيت موصي وصيت مي كند و وصي مي پذيرد (اين ما به الاعتبار) اما معتبر (نقل و انتقال) بعد از مرگ موصي است.

نكته: ما در تكوين نمي توانيم بگويم الان آتش باشد و حرارت دو ساعت بعد اما در تشريع مي شود بين ما به الاعتبار و معتبر فرق بگذاريم.

چند چيز سبب شده كه ذهن علما در اين بحث مشغول شود.

ما چهار مورد در شريعت داريم (يا بيشتر)

1. غسل جمعه در پنج شنبه 2. زكات فطره قبل از عيد فطر 3. صوم مستحاضه و غسل شبش 4. غسل مستحاضه بعد از طلوع فجر (با اينكه قبل از فجر محدث بوده و بايد غسل مي کرده اما شارع فرموده اگر بعد از فجر غسل كند روزه اش درست مي شود.

در اين موارد ما بايد ببينيم چه چيزي رخ مي دهد و کدام قاعده آسيب مي بيند.

شارع روز جمعه غسلي به نام جمعه را مي آورد (برخي غسل جمعه را واجب مي دانند) بعد شارع تسهلاً على العباد مي فرمايد: اين غسل را پنج شنبه نيز مي توانيد انجام دهيد.

استاد: اين نوعي توسعه در جعل است. يعني اين غسل به خاطر جمعه است لذا اگر كسي قرار باشد جمعه هم بميرد و نداند اين غسل را ندارد ولي در اينجا كه قاعده عقلي سوراخ نمي شود. اين ها اعتبار شارع است چه چيزي را شما سبب و مسبب مي ناميد؟ بله اگر شارع مي فرمود غسل جمعه با فرض اينكه زمانش جمعه است تو پنج شنبه انجام بده ما مي گفتم اين يعني چه؟ ولي شارع توسعه در جعل داده است.

مثلاً در باب زكات فطره، ممكن است فقيري قبل از عيد بيايد و... شارع اينجا فرموده مي تواني زكات فطره را زودتر بدهي اگر شخص بميرد پول هدر رفته است اما اگر بماند همان فطره حساب مي شود. اين نوعي توسعه در جعل است. طبق نظر ما وقتي شخص جلوتر هم زكات فطره مي دهد لازم نيست نيت قرض بكند و... و اين را شارع قبول مي كند. اما صوم مستحاضه: ادامه جلسه آينده.

بحث بعد، بحث تقسيمات واجب است. پيش مطالعه بفرماييد.

الحمد لله رب العالمين